

پله های احساس

با"من خود" آشتی کن :

انگار که برای هیچ خلق شده باشم

که نه درک کنم و نه درک شوم !

قلم را بر سینه کافم می لغزانم

تا شاید واژه ای از هستی بچکانم
گویی افکارم قفل شده !

وکندی قلم بهانه ام!

.... نه دست بردار از این بیهودگی !

با خودم می گویم ،

این پایان من نیست، باید دوباره اوج گرفت
به زندگی جنگ می اندازم

باختن را پس می زنم و از رفتن به

تاریکی پشت پلکهایم باز می مانم

اصلا تمام تصورات بالا را Delet
می کنم

و سوگند می خورم این بیهودگی
net repeat

صدای موسیقی ذهنم را بالا می برم

می خواهم آهنگی زندگی ام فوران کند

پس دوباره موفقیت را ورق می زنم !

تلنگری بر روح و خاطرات ...

نا خودآگاه در اوج STOP می کنم

بالاخره فلسفه سیاهی چاله های زندگی
چیست ?

دانستن آن را برای ادامه می خواهم
تکرار و در جا زدن را باید دور ریخت

باید از تجربه های زندگی چید

انگار موقع اثن رسیده

که از حراج ثانیه های بودنم دست بردارم

و" من خودخواه" را بدرقه کنم

باید فلسفه خلقت را درک کنم

و با" من خود" آشتی کنم

این فهجیدن را دوست دارم ، تو چطور !؟

☞ زهرا بیگلری(غریبه)

روی خط نو؛

حمید مصدق شاعر معاصر، در دهم بهمن ماه سال ۱۳۱۸ در شهرضا، از شهرستان‌های پیرامون اصفهان ، به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرضا و اصفهان به پایان رساند و در سال ۱۳۳۹ به تهران آمد و پس از فارغ‌التحصیل شدن در رشته‌ی بازرگانی از مؤسسه‌ی علوم اداری و بازرگانی دانشگاه تهران، در مؤسسه‌ی تحقیقات اقتصادی این دانشگاه به امر پژوهش مشغول شد .

حمید مصدق از سال ۱۳۴۲ مجدداً به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و موفق به دریافت لیسانس حقوق از دانشگاه تهران و سپس فوق لیسانس اقتصاد شد .

مصدق در سال ۱۳۴۸ به عنوان استادیار در مدرسه‌های عالی کرمان و اصفهان و دانشگاه آزاد ایران به کار مشغول شد.
او ازسال ۱۳۵۱، پس از دریافت فوق لیسانس حقوق اداری از دانشگاه ملی، به عضویت هیات علمی دانشگاه درآمد و در کنار آن ازسال ۱۳۵۷ به کاروکالت روی آورد .

حمید مصدق، عضو هیات علمی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و

دانشگاه علامه طباطبایی، وکیل درجه یک دادگستری عضو کانون وکلا و سردبیر نشریه‌ی کانون بود .

این شاعر معاصر، در هفتم آذر ماه ۱۳۷۷ در اثر سکت‌ه‌ی قلبی در تهران درگذشت .

آثار حمید مصدق
نخستین اثر وی منظومه‌ی بلند « درفش کاپوایی» در سال ۱۳۴۰ منتشر و در همان سال توقیف شد؛ چاپ دوم آن در سال ۱۳۵۷ منتشر و بعد از انقلاب نیز به دفعات تجدید چاپ شد .

دومین کتاب شعر مصدق، منظومه‌ی «آبی، خاکستری، سیاه است که در سال ۱۳۴۳ منتشر شد .

«در رهگذار باد» سومین منظومه‌ی مفصل مصدق نیز نخستین بار در سال ۱۳۴۷ به چاپ رسید و پس از آن بارها تجدید چاپ شد .

«از جدایی‌ها ، ، (سال‌های صوری» و «شیر سرخ ، ، از دیگر آثار شعری حمید مصدق هستند که به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۸، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۶ منتشر شده‌اند.

مجموعه آثار این شاعر معاصر نیز در سال ۱۳۶۹ در کتابی به نام «تا رهایی»

با حمید مصدق

گردآوری شده است که این مجموعه نیز بارها تجدید چاپ شده است.
از او همچنین علاوه بر آثار شعری، کتاب «مقدمه‌ای بر روش تحقیق» (۱۳۵۱) ، «مجموعه‌ی رباعیات مولوی» و «غزلیات حافظ» و چندین کتاب در زمینه‌ی حقوق نیز به یادگار مانده است .

برخی از شعرهای حمید مصدق نیز در سال‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی، توسط برخی از دانشجویان، بر قالب سرودهایی اجرا شد که نوا‌رهای کاست آن، به صورت مخفی و دست به دست، می گشت و در راهپیمایی‌ها، همخوانی می‌شد.به‌گفته‌ی منتقدان، یکی از بازرترین ویژگی‌های شعر مصدق، سادگی، روانی و صمیمیت سیال آن است.
درفش کاپوای۳
عروس صبح را زیبا
وی می پیراست
جهان را از سیاهی های زشت اهرمن رخسار
زمین را بوسه زد لبهای مهر آسمان آرا
و برق شادمانی‌ها
به هر بوم و بری رخسید
جهان آن روز می خندید
پیان شعله های روشن خورشیدی
پیام فتح را با خود از آن ناورد
تسیم صبح می آورد

♦♦♦

می شود.

نمونه‌هایی از این فرم خاص در کشورهای واقع در شرق آفریقا مشاهده شده است . این کوزه با توجه به ویژگی ، فرم خاص و سایر مواد افزودنی موجود در گل سفال (خاکستر)، در خنک نگه داشتن آب کارائی خارق‌العاده ای دارد، جله قرن‌ها فرم باستانی خود را حفظ نموده است همواره مورد توجه و علاقه یونسکو نیز بوده است .

استفاده کاربردی از آن امروزه با توجه به پیشرفت و تغییر در نوع زندگی مردم، ورود یخچال و...، به میزان قابل توجهی کاهش یافته و خریداران آن بسیار اندک هستند و امروزه خریداران شهری بیشتر به منظور استفاده تزئینی از آن استفاده می‌کنند .

ساخت این ظرف منحصراً بفر د دو مرحله با چرخ دستی و کار با دست انجام می‌شود و به مراتب سخت تر و پیچیده تر از ساخت یک کوزه عادی است و نیاز به مهارت و تجربه خاصی دارد .



و خورشید جهان افروز
شکوهش می شکست آنکه
خوشی شهبانگه درم رفتار

و می آراست
عروس صبح را زیبا
وی می پیراست
جهان را از سیاهی های زشت اهرمن رخسار
زمین را بوسه زد لبهای مهر آسمان آرا
و برق شادمانی‌ها
به هر بوم و بری رخسید
جهان آن روز می خندید
پیان شعله های روشن خورشیدی
پیام فتح را با خود از آن ناورد
تسیم صبح می آورد

سمند خسته پای خاطراتم باز می گردید

می دیدم در آن رویا و بیداری

هنوز آرام

کتر بستر من مام

مگر چشم فرد بکشاید و چشم سرم بندد
برایم داستان می گفت

برایم داستان از روزگار باستان می گفت
سرکشی می فشادم من به یاد مادر نکام

دریغی دارم از آن روزگاران خوش آغاز

سید فرجام

هنوز اما مرا چشم خرد خفته است در خواب

گرانباری

دریغا صبح هوشیاری دریغا روز بیداری

بمناسبت میلاد حضرت رسول اکرم (ص)

ستاره ای درخشید در شب

پیچیده عطر گل یاس محمدی در شهر

یک شکوفه از بهار شده در شهر

سلام بر سبزها ها ، بوی یاز آمده در شهر

یا رب ، قسم به لاله های امید

ما را به بال سبز دما می دهد امشب

سجاده ای به وسعت دشت است در ما

شور و شوقی است از حضورت امشب

دل به لطف کرمت خوش است

هر کس دل دهد نا امید نیست امشب

هر محضی نام تو بر زبان است

گویا حضورت جان گرفته در درون ما امشب

☞ بندرتنگه - شهزاد پروین

داستانک

زن با نگاه مضطرب و رنگ پریده ای به اتاقک شیشه‌ای می‌نگریست پرینده خیال را به هر دور دستی می‌فرستاد تا شاید اندک آرامشی در جان خسته‌اش بنشیند ۲۸ روز بود که تنها امیدش یک حرکت تازه در این اتاقک شیشه‌ای بود ، از بس تسبیح را دور زده بود اندک انگشتانش متورم شده بود و چشمانش بی‌ریق وخسته از گریه‌های شبانه شانه‌های کوچکش تحمل این بار سنگین و غریب را نداشت ، به چشم بر هم زدن زندگی‌ش زبر و رو شده بود فقط به فاصله برهم زدن یک پلک ، محمد لایه لای اتاقک آهنی ماشین لیزینگی محصور و نابود شده بود و او تنها شاهد مرگ و زندگی ۳ نفر بود ؛ خودش، همسرش و جنینی که بی‌محبا در شکمش بالا و پایین می‌رفت تا شاید از این وضعیت خود ر نجات بدهد و مادر را آرام کند .
باز هم تمام صحنه های دلخراش جلوی چشمانش رژه می‌رفت و دیگر تمام امید و عشقش را به این اتاقک شیشه‌ای دوخته بود تا تنها یادگار عشق و زندگی ۳ ساله اش را که یک ماه زودتر پا به این دنیا نهاده بود را از چنگال مرگی خاموش برهاند .

۲۸ روز انتظار و امید به زندگی برای ندیدن روح عشق به کالبد انسانی دیگر ، غصه همسرش را کم رنگ که نه بلکه قابل تحمل تر کرده بود حس می‌کرد چیزی در عمق وجودش جوانه می‌زند و می‌خواهد قد بکشد آری این حس آشنا و شیرین چیزی نبود جز تکان خوردن دست و پای نوزاد نارس و زود متولد شده اش که در همین لحظه تکانی خورده بود و امید به زندگی را برایش صد چندان کرد .

اولین لیخند پسر کوچولوش شیرین بود و دلنشین و نگاهش تداعی گر نگاه مصمم پدر .

نوای دلتنگی

دیبر هنگامی است که ز عالم دل من تنگ شده

مهر و محبت مرد و دلها همه از سنگ شده

حرب پدر نیست و پدر مرده و افسوس مانده

نامداری باب دگر و نقش مادرها همه کمرنگ

شده دل کور شده و پیر و جوان دل به ظاهر

بستند

باور آن نیست که گویند فلانی یکرنگ شده

دریغا که کویر دل افسوس باران محبت دارد

جز این هر که گوید مزاح است دلها همه از سنگ

شده

من به هوای خوش خیالی زین همه غصه تاب

آوردم

دل نیست که بندمم به کسی در عجبم که چرا

دلم تنگ شده

☞ مصطفی قلندرزاده -رودان

مصرف

ماهی و میگو

باعث

شادابی

جسم و روح

می شود

روابط عمومی اداره کل شیلات

هرمزگان



آگهی مزایده نوبت اول



شهرداری بندرلنگه در اجرای مجوز شماره ۶۸۳۷/ش مورخ ۸۷/۴/۹ شورای محترم اسلامی شهر در نظر دارد کشتارگاه

موجود را با تالیسات مربوطه به صورت استیجاری واقع در ضلع شمالی شهرک صنعتی از طریق مزایده درصورت صلاحدید

حضورى به افراد حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید لذا افرادیکه مایل به شرکت در مزایده می باشند می توانند

از تاریخ ۸۸/۱۲/۱۰ تا ۸۸/۱۲/۱۹ پیشنهاد خود را به دبیر خانه شهرداری تحویل ورسید آنرا دریافت دارند پیشنهاد واصله **راس**

ساعت ۱۰ مورخ ۸۸/۱۲/۱۹ در محل شهرداری مفتوح می گردد.

شرایط:

۱-قیمت پایه مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ (پنج میلیون ریال)ریال می باشد.

۲-۱۰٪ قیمت پیشنهادی به عنوان سپرده به حساب ۱۲۲ شهرداری نزد بانک ملی شعبه مرکزی واریز و فیش آن ضمیمه پیشنهاد می گردد.

۳- به پیشنهادات مبهم و فاقد سپرده بانکی و همچنین تقاضائی که بعد از وقت تعیین شده وصول شود ترتیب اثر داده نخواهد شد .

۴- شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است .

آگهی حصر وراثت

خانم فاطمه زارعی دارای شناسنامه شماره ۵۹۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۰۶۲/۸۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی زاهدی

در خانه بشناسنامه ۲۵ در تاریخ ۸۸/۱۲/۱ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراً است به

۱-فاطمه زارعی ف کهور به ش ش ۵۹۸ متولد۱۳۱۲ صادره از ح ۲ میناب همسر متوفی۲- کلثوم زاهدی درخانه ف علی به ش ش ۲۳۶ متولد۱۳۳۴ صادره از ح ۳ میناب دختر متوفی ۳-محمد زاهدی درخانه ف علی به ش ش ۵۷۸ متولد: ۱۳۴۰ صادره از ح کنسولی دبی پسر متوفی۴- غلام زاهدی درخانه ف علی به ش ش ۵۷۹ متولد ۱۳۶۴ صادره از ح کنسولی دبی پسر متوفی ۵- اسحاق زاهدی درخانه ف علی به ش ش ۴۲۹ متولد ۱۳۴۹ صادره از ح ۲ میناب پسر متوفی۶- لیلیا زاهدی درخانه ف علی به ش ش ۴۴۸ متولد۱۳۵۱ صادره از ح ۲ میناب دختر متوفی۷-حسن زاهدی درخانه ف علی به ش ش ۷۱ متولد۱۳۵۵ صادره از ح کنسولی دبی پسر متوفی۸-صغری زاهدی درخانه ف علی به ش ش۲۴۸ متولد۱۳۵۷ صادره از ح کنسولی دبی دختر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را دریک نوبت پی درپی ماهی یکمرتبه آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه به شورا تقدیم والا گواهی صادر خواهد شد .

دقتر شورای حل اختلاف میناب

موسسه حسابداری و حسابرسی امید گامبرون جنوب ثبت (۴۷۶)

*** حسابداری حسابرسی * تهیه اظهار نامه مالیاتی و بیمه ای * تهیه صورتهای مالی فارسی و انگلیسی**

*** طراحی سیستم کنترل داخلی * تنظیم گزارشهای مالی جهت بانکها و سایر موسسات مالی و اعتباری -**

*** تامین و آموزش کادر موسسات و شرکتها * تهیه صورتهای مالی از مدارک ناقص اصلاح حسابها و...**

تلفن تماس :

۰۹۱۷۱۶۳۵۴۵۱-۰۹۱۷۳۹۸۶۶۳۶ خاکسار نژاد



عصر دانش بندر

☑️حسابداری

☑️حسابرسی

☑️تهیه اظهار نامه مالیاتی

☑️مشاوره مالیاتی و بیمه ای

☑️تامین کادر مالی

☑️تهیه صورتهای مالی

☑️اعتبارات و خزانه داری

☑️اصلاح حسابها و رسیدگی اسناد

شرکت خدمات مالی و حسابرسی عصر دانش بندر (سهامی خاص) ثبت ۶۲۵۲تاسیسی ۱۳۸۲

تلفن تماس :

۰۹۱۷۳۶۸۴۴۱۶-۰۹۱۷۳۶۸۴۴۱۶محمد حسینی

E-mail:

Asrdanesh۸۲@yahoo.com

E-mail:

omid gamberoon jonoo@gmail.com